هو الله - ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید، مضمون بسیار عجیب زیرا این شبهات تازه اشتهار نیافته.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۹۴

## **هو الله**

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید، مضمون بسیار عجیب زیرا این شبهات تازه اشتهار نیافته. قرون و اعصار متوالیه است که در اروپا این زمزمه بلند است و همچنین در قرون اولی در آسیا انتشار داشت. ولی در هر عهد قوّه نافذه کلمة الله بنیان این شبهات برانداخت و نور مبین مانند آفتاب اشراق نمود. چه که ادّله و براهین این بی خردان اوهن از بیت عنکبوت و در نهایت سستی و ضعف مشهود. هر چند غافلان ایران متابعت مادّيون فرنگیان خواهند و پیروی طبیعیون اروپ تقلیدا آرزو دارند ولی از قواعد و اصول آنان بی خبرند و از ادّله و حجج و موضوع و محمول ایشان بی اطّلاع. اروپائیان در مذهب طبیعی بحسب فکر و آرای خویش محقّقند ولی طبیعیون ایران مقلّد. لهذا با فرنگیان در این مسئله مباحثه و بیان آسان زیرا بقاعده و دلیل صحبت میدارند و انسان بقاعده جواب میدهد. ولی با این مقلّدان ایران بسیار مکالمه مشکل است، زیرا آنچه میگویند صرف مدّعاست نه دلیل و نه برهان.

مثلا مسئله عناصر نچنین است که ایرانیان میگویند علمای طبیعیون این مسئله را چنین ترتیب میدهند و بر این اساس جمیع مسائل طبيعيّه را تأسیس مینمایند. زیرا این اصل مذهب آنان است و مسائل دیگر بتمامها فروع. و آن اینست که در عالم وجود عناصر بسیطه هر یک جزء واحد است و قابل تجزّی و تفصیل نیست و جمیع کائنات ترکیب این عناصر مفرده يعنی مرکّب از اجزاء متنوّعه‌ اند یعنی عناصر بسیطه را تشبیه بحروف نمایند و حروف تجزّی نشود. مثلا الف مفرد است این را از هم تجزّی نتوان نمود امّا کائنات سائره بمنزله کلمه‌اند که مرکّب از حروف متعدّده‌اند کلمه را تفصیل و تجزّی توان نمود. باری گویند که چون در جمیع موجودات ملاحظه نمائی واضح و مشهود است که این عناصر بسیطه بصور نامتناهیه منحل و ترکیب شده است هر ترکیبی کائنی از کائنات موجوده و چون این ترکیب تحلیل گردد عدم نسبی و اضافی تحقّق یابد زیرا عدم محض را مستحیل و محال دانند.

مثلا گویند اجزائی ترکیب شده است و از آن ترکیب انسان تحقّق یافته. چون این ترکیب تحلیل گردد این کائن بشری از میان برود. ولی آن اجزاء اصلیه و عناصر فرديّه باقی و بر قرار است. پس تحقّق کائنات از ترکیب است و تشتّت موجودات از تحلیل این ترکیب و تحلیل متتابع و مترادف و مستمرّ در این صورت چه احتیاج بحيّ قدیر. این خلاصه برهان آنان و دلیلشان بزعمشان واضح و عیان. در وقت بحث این مسئله را تأسیس نمایند. چون این مسئله مبنی بر قواعد و اصول است لهذا جواب آسان و بکمال اختصار بیان بطلان این قضيّه میتوان نمود. چنانکه با فلاسفه اروپ و امریک بتکرار اینمسئله در میان آمد و بچند کلمه جواب قناعت نمودند و تسلیم کردند.

در جواب گفته شد که این ترکیب که اسّ اساس وجود و سبب حیات کائنات است از اقسام ثلاثه ترکیب کدام یک است زیرا ترکیب یا تصادفی است و یا لزوم ذاتی و یا ارادی یعنی تحت اراده الهيّه. اگر بگوئیم ترکیب کائنات تصادفی است معلول بيعلّت لازم آید. و این ممتنع و محال است که معلول بيعلّت تحقّق یابد بطلان اين قضيّه بدیهی است و اگر این ترکیب لزوم ذاتیست در اینصورت تحلیل ممتنع و مستحیل ابديّت و سرمديّت از لوازمذاتيّه آن این هم که نیست. پس چه ماند ترکیب ارادی یعنی باراده حی قدیم. هذا هو الحقّ و ما بعد الحقّ الّا الضلال المبین و در این مورد در سؤال و جواب مس بارنی بحثی دقیق در اين قضيّه گردیده.

و امّا تفاوت بین نفوس و پستی و بلندی و برتری و بهتری. طبیعیون دو قسمند قسمی بر آنند که این بهتری و برتری و تفاوت بین بشر در اصل خلقت است باصطلاح آنها از مقتضای عالم طبیعت است و گویند که تفاوت بین نوع واضح است. که طبیعی است مثلا نوع اشجار تفاوت و امتیازشان طبیعی است و حیوان نیز تفاوت طبیعی دارد حتّی در جماد نیز تفاوت طبیعی است یکی معدن سنگ است و دیگری معدن لعلّ پر آب و رنگ. یکی صدف است و دیگری خزف. و قسم دیگر از فلاسفه قدما بر آنند که تفاوت بین بشر و امتیاز عقول و هنر از تربیت است. زیرا شاخ کج بتربیت راست گردد و درخت بی‌ثمر بیابانی بستانی شود و پیوند گردد و بارور شود و شاید تلخ است شیرین شود میوه‌اش صغیر است کبیر گردد و لذّت و حلاوت یابد و برهان اعظمشان اینست که زنگیان افریک قاطبة وحشی و نادانند و متمدنان امریک قاطبة دانا و هوشمند و این واضح است که تفاوت این دو فرقه مبنی بر تجربه و تربیت است این قول فلاسفه و حکما است.

ولی انبیا بر آنند که در اصل فطرت تفاوت مسلّم و مبرهن و فضّلنا بعضکم علی بعض قضيّه ئی محتوم و معلوم. البتّه نفوس بشر در اصل فطرت مختلفند اگر اطفال معدود از یک پدر و یک مادر در مکتب واحد و بتعلیم واحد و تربیت واحده و بغذاء و طعام واحد پرورش یابند بعضی بنهایت علم و درایت رسند و بعضی متوسّط باشند و بعضی بهیچوجه تعلیم نگیرند. پس معلوم شد که تفاوت در بین بشر از تفاوت مراتب و خلقت است و همچنین تعلیم و تربیت را نیز تأثیری عظیم مسلّم و مقرّر دانند. مثلا اگر طفل از دبستان محروم ماند البته جاهل و نادان ماند و معلوماتش محصور در اکتشافات خویش باشد. و چون نزد ادیب دانا تحصیل علوم و معارف نماید بر اکتشافات هزاران نفوس از بشراطّلاع یابد. پس تعلیم اهل ضلالت را سبب هدایت شود و کوران را علّت بینائی گردد بیخردان را دانا کند بی حاصلان را سبب بزرگواری شود انسان ابکم را ناطق کند و فجر کاذب را صبح صادق نماید دانه صغیر را نخل باسق نماید و عبد آبق را ملیک فائق فرماید. لهذا البتّه تربیت تأثیر دارد. و نظر باین حکمت است که مظاهر غیب احدیت و مطالع رحمانیت در عالم بشریه مبعوث گردند تا نوع انسان را بنفحات قدس تربیت نمایند و طفل رضیع را رجل رشید کنند. پس محرومان ناسوت محرمان لاهوت گردند و بی‌نصیبان بهره و نصیب یابند.

ای ثابت بر پیمان رساله تألیف بارنی را که در اروپا طبع شده است از طهران بطلبید در این مسئله و شبهات دروین فیلسوف انگلیس که مقتدای طبیعیون اروپ است مفصل مخاطباتی شده است. امّا عبارتی را که مرقوم فرموده بودید عناصر محسوسه را موجد و مولد جمیع اشیای موجوده دانند پس در این صورت عناصر که موجد و مولّدند هر یک از آلهه هستند چه که ایجاد صفت الله است در این صورت طبیعیون ایران معتقد به اله هستند ولی آلهه متعدده غیر متناهیه. ملاحظه نمائید که بیان چگونه مشوّش است. ولی طبیعیون اصلیون اروپ چنین نگویند. برآنند که عناصر بسیطه بصور نا‌متناهیه ترکیب گردد. و هر صورتی کائنی از کائنات شود و چون تحلیل یابد آن کائن عدم اضافی یابد. و امّا مسائل دیگر که بحث و نقل از طبیعیون نموده بودید که فرد اکمل در نوع بشر دارای کمالات نا متناهیه است و از شدت ذکاء و فطانت کشف اسرار کائنات نماید و از هزار سال بعد خبر دهد. این قول مانند دانه افشانی است که مرغان معصوم را شکار کنند و مقصدشان اینست که باین وسائل در بدایت با متديّنين بالله محاوره و مجالست و مؤانست نمایند تا کم کم از صراط مستقیم منصرف کنند.

ای احبّای الهی باید هر یک در اینمسائل چنان ملکه حاصل کنید که بقوّه برهان انبیا و رسل نادانان و نو هوسانرا لسان قطع نمائید. زیرا انبیای الهی نفوس مقدّسه انسانی و امّا ما دون اسیر و مفتون طبیعت و شیطان نفسانی البتّه مظاهر رحمانی غالب بر تماثیل حیوانی گردد. انذارات جمال مبارک بملوک ارض بنهایت صراحت بدون تأویل و احتیاج تفسیر در اثبات قوّه قدسیه ماوراء الطبیعه برهان کافی وافی است. سور ملوک را مطالعه نمائید و خطابهای شدید را دقّت کنید و انذارات عظیمه را ملاحظه نمائید و خطاب ”یا ايّتها النقطة الواقعة فی شاطئ البحرین“ را تمعّن فرمائید و خطاب بطهران را نیز اندک ملاحظه کنید و خطاب بسواحل نهر رین را از نظر بگذرانید و تطبیق بوقوعات حاصله کنید که جمیع این انذارات در مدّتی قليله تحقّق یافت. آیا بادراک بذکاء طبیعی کشف این وقوعات مهمّه در اندک زمان پیاپی ممکن است و تحقّق این وقوعات در ايّام قليله تصوّر میشود لا والله مگر آنکه بقوّه ملیک مقتدر تحقق یابد و بکلمه نافذه‌اش مجری کند و از پیش خبر دهد فرصتی نیست و الّا از اين مفصّلتر مرقوم میشد و علیک البهاء الأبهی (ع ع)

